

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

پرسش: رزق و روزی شامل چه مواردی است و کدام موارد را می‌توان به حساب مقدرات گذاشت؟ پاسخ: همه‌ی موارد به حساب مقدرات است؛ هرچه پیش آمده. هیچ چیز در این عالم اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه مشیت الهی به آن تعلق بگیرد. در این عالم هیچ چیز یک سر سوزن جابه‌جا نمی‌شود مگر به مشیت الهی. اما رزق چیست؟ رزق آن مقدار از امکانات این عالم است که در زندگی نصیب شخص می‌شود و عملاً به مصرف او می‌رسد؛ لذا بین رزق و دارایی فرق است؛ ممکن است چیزی دارایی من باشد، اما رزق من نباشد؛ یعنی ثروتی در حساب بانکی یا در خانه‌ی من موجود است؛ اما رزق من نیست؛ حمالی آن از آن من بود که زحمت کشیدم و آن را جمع کردم؛ ولی شب دزد می‌آید و آن را می‌برد، آتش می‌گیرد و می‌سوزد، دادگاه حکم می‌دهد و مصادره‌اش می‌کنند و به هر حال، مصرف من نمی‌شود. چیزی که عملاً مصرف من شد، رزق من است. رزق را در حد کفاف یعنی در حد نیازها و ضرورت‌های واقعی، خود خدا برای همه‌ی جانداران تضمین کرده و عهده‌دار شده است: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^۱ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»^۲؛ اما فراتر از رزق، یعنی تشریفات و تجملات و مانند اینها جزء رزق کفاف نیست و خدا هم متضمن آن نیست.

پرسش: آیا گرسنگان افریقایی را هم خدا میزان روزیشان را اندک مقدر کرده است و یا استثمار غارت‌گران سبب فقر آنها شده است؟

^۱. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۸.

^۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶.

پاسخ: به هر مسأله‌ای در این عالم، از دو منظر می‌توان نگاه کرد؛ یکی از منظر پایین؛ یعنی نظام اسباب و مسببات و عالم کثرت و دیگری از منظر بالا؛ یعنی از منظر توحیدی و الهی. از منظر توحیدی و الهی که نگاه کنید، همان چیزی که به فرد گرسنه‌ی آفریقایی رسیده، رزق اوست؛ اما از پایین و از منظر نظام اسباب و مسببات که نگاه کنید، بحث به کلی عوض می‌شود؛ یعنی آنجا حساب روابط علی و معلولی را دنبال می‌کنید و می‌بینید این فرد یا خودش تلاش و کوشش لازم را نکرده که رزقی که خدا برایش فرستاده بود را تحویل بگیرد؛ برایت پست کرد و به پست‌خانه فرستاد، حداقل در پست‌خانه نرفتی که آن را تحویل بگیری؛ نامه‌رسان نامه را دم درآورد و تو نرفتی تا دم در نامهات را تحویل بگیری، آن وقت می‌گویی فلانی به من نامه نوشت. رزق را خدا فرستاد و تو نرفتی تحویل بگیری. کار و تلاش ما همان تحویل گرفتن رزقمان است. رزق را خدا فرستاده، ما با کار و تلاشمان می‌رویم و آن را تحویل می‌گیریم. می‌بینید که این فرد نرفته رزقش را تحویل بگیرد. از پایین که نگاه کنید، این‌گونه است. یا نه؛ می‌بینید که استثمارش کرده‌اند؛ دیگران آمدند و غارتش کردند. ولی از منظر بالا که نگاه کنید، هیچ کس جز خدا مؤثر نیست: «**لَا مُؤْتَرٌ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ**»^۳ و خدا به هر کس متناسب با نیاز روحی او رزق می‌دهد. غالباً مشکل همین است که نمی‌توانیم منظر پایین و منظر بالا را از هم تفکیک کنیم. آن وقت گیر می‌کنیم که چگونه می‌توان مسأله را تبیین کرد.

پرسش: هدیه‌ای که به کسی می‌دهیم، سفره‌ای که برای مهمان می‌گستریم، یا پول و وسیله‌ای که گم می‌شود نیز جزء رزق ما نیست؟

پاسخ: هر چیزی که مصرف شما نشود، رزق شما نبوده و هر چیزی که مصرف شما شود، رزق شما بوده است. این یک اصل کلی است. هدیه‌ای هم که به من می‌دهید، رزق من است و رزق شما نبوده است. حدیث داریم که انفاق کسی از رزق او نخواهد کاست و تقلای کسی هم به رزق او نخواهد افزود. آنچه انفاق می‌کنید، اگر دارایی شما را از حد رزقتان کم کند، خدا دوباره جای آن را پر می‌کند و اگر

^۳. مجلسی، بحار، ج ۵، ص ۱۵۱ و صدوق، توحید، ص ۶۸ و کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۶۳.

تقلاً کنید که بیشتر به دست بیاورید و بیش از رزقتان باشد، مصرف شما نمی‌شود، و به‌گونه‌ای از دستتان می‌رود؛ یا می‌ماند و وراثتان می‌خورند؛ یا نه، دزد می‌آید و می‌برد؛ یا سر چارراه تصادف می‌کنید و پول کلانی از شما به‌عنوان جریمه برای خسارت اتومبیل طرف مقابل می‌گیرند و بالأخره آنچه رزقت نبوده مصرف تو نمی‌شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ